



مثیر مکتوب ویژه شہادت امام ہادی علیہ السلام

• اسرار ولایتی و تربیتی زیارت جامعہ •



@Hawzah_Panahian



مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه



برای عضویت در کانال «حوزه و تبلیغ» اسکن کنید
کاری از مرکز تخصصی تبلیغ دارالحکمه

امام
هادی
علیه السلام

فهرست

- ۷ اهمیت ولایت در سیر تکاملی جامعه ایمانی
- ۷ مراحل سه‌گانه در تبیین ولایت توسط اولیای خدا
- ۹ ولایت: مهم‌ترین چالش جامعه دینی در تاریخ اسلام
- ۱۰ زیارت جامعه نتیجه مجاهدت ۲۰۰ ساله ائمه
- ۱۱ چالش‌های پذیرش ولایت و نقش زیارت جامعه
- ۱۲ امام هادی (علیه السلام): رسالت ویژه در صدور زیارت جامعه
- ۱۴ ویژگی‌های تربیتی زیارت جامعه در پرورش شیعیان
- ۱۵ چرا در طی مسیر خودت به سوی خدا خودت را تنها می‌بینی؟
- ۱۶ نقش زیارت جامعه در کاشت معارف ولایی در وجود انسان
- ۱۷ زیارت جامعه: فریاد دفاع از ولایت پس از تبیین
- ۱۸ داستان علامه مجلسی و زیارت جامعه
- ۲۰ چگونه زیارت جامعه حسادت را از بین می‌برد؟
- ۲۲ اعتراف به عظمت اولیای خدا در زیارت جامعه
- ۲۳ شیعه واقعی: انس با زیارت جامعه و عشق به اولیای خدا
- ۲۴ زیارت جامعه و روضه ائمه: ترکیب عشق و مصیبت
- ۲۶ روضه در دل زیارت جامعه: از سلام تا لعن

« اهمیت ولایت در سیر تکاملی جامعه ایمانی

مهم‌ترین توقفگاه سیر تکاملی جامعه ایمانی همیشه بر سر موضوع ولایت بوده است. آنجایی که انبیای الهی دعوت به توحید کرده‌اند و دعوت به رفتار متخلّقانه و دعوت به اجرای احکام شرعی و رعایت موازین شرعی کرده‌اند، معمولاً زیاد دچار مشکل نشده‌اند یا اصلاً در آن مشکلات متوقف نشده‌اند؛ ولی وقتی بحث به امر ولایت رسیده است، توقف نفاق و دشمنی‌ها آغاز شده است.

« مراحل سه‌گانه در تبیین ولایت توسط اولیای خدا

در جریان تقابل با مفهوم ولایت، مراحل مختلفی طی شده است. اوائل وقتی که مخالفت شده است، آدم وقتی نگاه می‌کند می‌بیند که اولیای خدا اوائل زمانی که منازعاتی را علیه ولایت دارند شکل می‌دهند، کوتاه آمده‌اند. در مرحله

بعد، اولیای خدا به تبیین عقلانی پرداخته‌اند و در مرحله سوم به دفاع جانانه و پرشور و پرعاطفی از ولایت اقدام کرده‌اند. این سه مرحله را در تاریخ اسلام شما شاهد هستید. خارج از تاریخ اسلام هم مسیر معقولی به نظر می‌رسد. اگر شما یک حرف حقی داشته باشید و مردم ظرفیت پذیرش این حرف حق را نداشته باشند، ابتدا کوتاه می‌آیید؛ اما اگر این حرف حق لازم باشد که همان زمان مستقر شود، دشمنی‌ها را تحمل می‌کنید. با مظلومیت‌ها مدارا می‌کنید و صبر می‌کنید تا زمانه به روشن شدن این حقیقت کمک کند. بعد شروع می‌کنید؛ بعد از کمکی که زمانه می‌رساند به شما تا حقانیت کلام شما تا حدود زیادی روشن شود، شروع می‌کنید به دفاع عقلانی کردن، به تبیین مبانی نظری که کسی نتواند به شما بگوید. بعد از اینکه شما دفاع عقلانی کردید از آن حقیقت و روشنگری کردید، باز دشمنی‌ها ادامه پیدا می‌کند و عدم تحمل یک حقیقت بزرگ باز ادامه پیدا می‌کند.

آنوقت دیگر مرحله شما دفاع عقلانی کردید به قدر کافی مبانی را توضیح دادید، مظلومیت‌ها را هم تحمل کردید و حق در بستر زمان به قدر کافی روشن شده است، حقیقت آشکار شده است، به دفاع صریح جانانه و عاشقانه اقدام خواهید کرد و می‌گویید دیگر اینجا هرچه بادا باد، کسی می‌خواهد نفهمد این حقیقت را، برود به آن مبانی که سال‌ها توضیح دادیم مراجعه کند. کسی می‌خواسته تحمل نداشته باشد این حقیقت را، سال‌ها کوتاه آمدیم و از این حقیقت

گذشتیم و حرفی از آن به میان نیاوردیم. دیگر آنجا جایی است که شما به سهولت و با جرأت به نه تنها دفاع عقلانی بلکه دفاع پرشور از عشق و حماسه از آن حقیقت نورانی مظلوم خواهید پرداخت. یک روند معقول به نظر می‌رسد.

« ولایت: مهم‌ترین چالش جامعه دینی در تاریخ اسلام

در تاریخ اسلام هم در امر ولایت که مهم‌ترین چالش جامعه دینی است، امامان مظلوم اول کوتاه آمدند از حق. از ۲۵ سال خانه‌نشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام گرفته تا ۵ سال حکومت مظلوم رومانه او تا صلح امام حسن علیه السلام تا شهادت امام حسین علیه السلام که با اینکه امام حسین به شهادت رسیدند اما در اوج کوتاه آمدن به شهادت رسیدند؛ یعنی سخنشان در صحرای کربلا این نبود که من ولی الله الاعظم هستم، من حق سرپرستی شما را دارم، شما حق ندارید با من این چنین برخورد بکنید.

سخنان حداقلی بیان می‌فرمودند، می‌فرمودند که من دختر پیغمبر شما هستم لا اقل حرمت فرزند پیغمبر بودن را رعایت بکنید، من با شما کاری ندارم، شما رها کنید، من می‌روم. این سخنان سخنانی نیست که امام زمان علیه السلام در قیامش بر زبان جاری بکند. این سخنان سخنان حداقلی است، همان کوتاه آمدن امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ۲۵ سال خانه‌نشینی را تداعی می‌کند، همان صلح امام حسن مجتبی علیه السلام را تداعی می‌کند.

بعد از این دور ائمه هدا علیهم السلام پرداختند به تبیین



عالمانه و مستدل و عقلانی امر ولایت. دیگر تا زمان امام موسی بن جعفر علیه السلام ادامه پیدا کرد. دوره سوم تاریخی که ما در زندگی اهل بیت اسلام و طهارت داریم، دوره دفاع جانانه و عاشقانه از مفهوم ولایت است. اوج این مسئولیت به عهده امام هادی علیه السلام بود که در زیارت جامعه تجلی پیدا کرد.

« زیارت جامعه نتیجه مجاهدت ۲۰۰ ساله ائمه

بینید زیارت جامعه نتیجه مجاهدت ۲۰۰ ساله ائمه معصومین علیهم السلام بود. زیارت جامعه این نبود که بدون ملاحظه مقطع تاریخی و آن مرحله‌ای که در مسیر تکاملی باید طی شود، بر زبان نورانی امام هادی علیه السلام جاری شده باشد. کاملاً حساب شده است، طراحی شده است، با یک نصیحت اخلاقی که شما ممکن است از هر امامی بشنوید متفاوت است.

برخی از نصایح اخلاقی یا مباحث اخلاقی یا مباحث اعتقادی زمان و مکان خاصی ندارند، همه ائمه علیهم السلام بر آن‌ها تصریح داشتند یا بر آن‌ها تأکید می‌کردند. اما زیارت جامعه یک زیارتی است که مکان و زمان خاصی دارد در سیر مراحل تکاملی تاریخ تشیع در محضر امامان شیعه. بعد از سال‌ها تبیین به این مناجات عاشقانه و عارفانه شما می‌رسید، بعد از سال‌ها تحمل مظلومیت و بردباری نسبت به اینکه مردم تحمل شنیدن حقایق ولایت را ندارند، شما به زیارت جامعه رسیدید.

زیارت جامعه عبارات ساده‌ای ندارد. یعنی گاهی اوقات

ما زیارت جامعه را میخوانیم اما بلندی معانی که واقعاً برای خیلی‌ها قابل تحمل نیست را به آن توجه پیدا نکنیم. آن‌هایی که ولایت را پذیرفتند فکر می‌کنند کار ساده‌ای کرده‌اند در حالی که کار شاقی است. فرمود: «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ» (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۶) اگر کار ساده‌ای بود که ابلیس ولایت آدم را می‌پذیرفت و بزرگ‌ترین مشکل در طول تاریخ بشریت در مقابله با انبیا پیش نمی‌آمد. آن‌هایی که ولایت را پذیرفتند فکر می‌کنند که به مراتب بالایی آنچنان نرسیده‌اند. مگر من چه کار سختی انجام دادم؟ نه، شما باید این نعمت را شکر بکنید و درباره عظمت این نعمت هم بیاندیشید.

« چالش‌های پذیرش ولایت و نقش زیارت جامعه »

همین الان زیارت جامعه مضمونش برای خیلی از روشن‌فکران قابل تحمل نیست. می‌گویند این چه حرفایی است شما دارید می‌زنید؟ همین الان برای خیلی از کسانی که معتقدند به مضامین قرآن معترفند، آشنا هستند با معارف شیعی، آشنا هستند مضمون عالی زیارت جامعه نه تنها بعضاً برایشان قابل تحمل نیست بلکه اگر هم تحمل می‌کنند به عنوان یک سلسله عبارت‌های ذوقی و در حد شعر می‌پذیرند؛ چون انسان در شعر مجاز مبالغه دیگر زمین و زمان را به زلف یار خودش گره می‌زند و عالم را فدای لبخند او می‌کند. بله در عالم شعر یک چنین اتفاق‌هایی می‌افتد. به خال

هندو بخشم سمرقند و بخارا را در حالی که یک متر زمین ندارد آنجا، آرزو دارد یک روز آنجا رد شود، در آن محیط مثلاً صفایی بکند در باغ‌های آنجا؛ اما به خال هندوی یار خودش می‌بخشد سمرقند و بخارا را. زبان شعر است دیگر، کسی با آن کاری ندارد. خیلی‌ها اگر با زیارت جامعه مشکل ندارند از این باب است.

آنوقت برخی از دوستان ولایت ولایت‌مداران و ولایت‌پذیران هم زیارت جامعه را جدی نمی‌گیرند. زیارت جامعه باید فضای روحی ما و فضای ذهنی ما را نسبت به امر ولایت تنظیم بکند. شما خیلی‌ها را می‌بینید که ولایت دارند ولی نسبت به ائمه هدی علیهم‌السلام ارادتی زیارت جامعه‌گونه ندارند. معرفتی شبیه به زیارت جامعه ندارند. این خیلی نکته مهمی است.

« امام هادی علیه‌السلام: رسالت ویژه در صدور زیارت جامعه

هم زیارت جامعه محلی است برای تربیت شیعیان ناب، هم محکی است برای آن کسانی که در دل اندکی ولایت‌گریزی دارند. نباید از کنار زیارت جامعه راحت رد شد. در مقدمه کلام خودم عرض کردم زمان تاریخی حساس امام هادی علیه‌السلام اقتضا می‌کرد قبل از غیبت زیارت جامعه صادر شود. این یک بیانیه‌ای بود که زمانش آن موقع بود و این رسالت ویژه امام هادی علیه‌السلام.

حالا نه اینکه کسانی به امام هادی علیه‌السلام جسارت ورزیده‌اند. ما بخواهیم از امام هادی علیه‌السلام صحبت بکنیم.



طبیعتاً یکی از چیزهایی که باید بکنیم از زیارت جامعه هست. اصلاً کسی به امام هادی علیه السلام جسارت هم نمی‌ورزید. ما متن دیگری نداریم در متون شیعه مانند زیارت جامعه. از نظر سند عالی، از نظر مضامین عالی و از نظر جامعیت بی‌نظیر. هیچ متنی درباره امر امامت و ولایت به این جامعیت نیست.

قبل از این شاید جامع‌ترین متن کلمات امام رضا علیه السلام باشد که در تحف العقول نقل شده، حجمش بسیار کمتر از زیارت جامعه است و به این جامعیت باز هم نیست؛ لذا یک نقطه راهبردی است از جهات مختلف حیات امام هادی علیه السلام و زیارت جامعه. حالا من قبلاً در یک مجالسی در مورد امام هادی علیه السلام گفتگوهایی با دوستانمان داشتم، نمی‌خواهم آن را در اینجا تکرار بکنم که امام هادی علیه السلام شخصاً موقعیتشان در میان ائمه معصومین این موقعیت بسیار خاصی است.

حتی امام جواد علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام این موقعیت را نداشتند. من نمی‌خواهم به تحلیل تاریخ حیات ایشان بپردازم که حساسیت فوق‌العاده زمان حیات ایشان و نوع رسالتی که به عهده ایشان بود را باید یک جای دیگری به آن توجه ویژه داشته باشیم. ایشان هم مثل امام هادی علیه السلام ۸ سالگی به امامت رسیدند اما تا حدود ۴۰ سال عمر شریفشان و ۳ و خرده‌ای سال امامتشان یک دوران طولانی را نسبت به دو امام قبل و بعد خودشان داشتند.

و این یک فرصتی بود برای اینکه آخرین اقدامات برای

تشکیل شبکه و رساندن شیعه به بلوغ برای حضور در دوران غیبت انجام دهند. من به آن بحث‌ها کاری ندارم. در این موقعیت خطیر به زیارت جامعه می‌پردازند. حالا زیارت جامعه یکی از ویژگی‌های بسیار استثنایی که دارد به تربیت شیعه می‌پردازد. فقط به تعلیم امامت نمی‌پردازد.

« ویژگی‌های تربیتی زیارت جامعه در پرورش شیعیان

زیارت جامعه شیعه که در معرض این زیارت قرار می‌گیرد را تربیت می‌کند، روحش را فقط معرفت به او نمی‌دهد که کار تربیتی را خود او انجام دهد، به عهده خود شماست که این آگاهی که پیدا کردید با این آگاهی چگونه برخورد بکنید؛ نه، می‌گوید بیا من خودم در این کارگاه تربیتی این معارف را در جان تو شکوفا می‌کنم. ساده‌اش این است زیارت جامعه را کسی العه نمی‌کند.

زیارت جامعه را آدم باید با امام زمان خودش بخواند. می‌رود خطاب به یک امام زمان یا یک امامی که حی است اگرچه امام زمان تو نیست، زیارت جامعه را می‌خواند. یعنی می‌رود درس پس می‌دهد. خیلی عجیب است زیارت جامعه از این جهت دوره آموزشی است که به شما گفته‌اند بیاید پیش ما بنشینید این‌ها را پیش ما بگویید. بازتابش را از امامت دریافت می‌کنی. خیلی عجیب است.

چرا این را در یک زیارت قرار دادند؟ خطاب به ما بگو این‌ها را. اگر خطاب به اولیای خدا کردی جواب داریم. یعنی زیارت جامعه را باید برد در باب مفاعله. شما یک



تعاملی بینتان و امام می‌گیرد چه ظرف قوی‌ای است برای تربیت روح.

« چرا در طی مسیر خودت به سوی خدا خودت را تنها می‌بینی؟ »

می‌گویند آدم می‌تواند تنهایی طی مسیر بکند. یکی از ویژگی‌های اخلاق سکولار این است که بی‌خدا رشد می‌کنیم هرچند اگر به سوی خدا باشد و این ویژگی در زبان بسیاری از پرسشگران مباحث اخلاقی مسائل اخلاقی هست.

می‌گوید من چیکار کنم این مشکل را حل کنم. آقا مگر تویی، مگر تویی وقتی می‌خواهی حرکت کنی بگو من و خدا این مشکل را چگونه حل کنیم؟ من و امام زمان این مشکل را چگونه حل کنیم؟ چرا در طی مسیر خودت به سوی خدا خودت را تنها می‌بینی؟ اصلاً تنها دیدن غلط است، تو تنها نیستی. من و امام زمان علیه السلام چگونه کاری کنیم نماز من بهتر شود؟ اصلاً بی‌امام که کسی حرکت نمی‌کند، با امام حرکت می‌کند به سوی خدا.

أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ. تو شما اصلاً راهید و عدلا علی صراطید. جای دیگری در زیارت جامعه می‌گوید: «إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدْلُونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ» (زیارت جامعه) شما در متن راه وقتی حرکت می‌کنی در متن امامت و ولایت داری حرکت می‌کنی. جای دیگر می‌فرماید یکی از کلماتی که در زیارت جامعه تکرار می‌شود «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ» با شما، من با شما.



اصلاً خودت باید این را بگویی، تلقین کنی.

من با شما هستم نه اینکه من به شما ارادت دارم، من با شما هستم، من با شما دارم زندگی می‌کنم، من سلوک الهیم با شماست. خیلی‌ها شیعیان ولی در ظرف زیارت جامعه تربیت نشده‌اند. این‌ها از سر و روشن پیدا است، از کلمات و فلتات لسانشان پیدا است در زیارت جامعه تربیت نشده‌اند. زیارت جامعه آن‌ها را پخت و پز نکرده است.

ممکن است زیارت جامعه را مرور هم کرده باشند اما زیارت جامعه در آن‌ها حلول نکرده. فرمود: «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۱۶۴) زیارت جامعه بخش يُزَكِّيهِمْ هست. الان غلبه در زیارت جامعه يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ است اما زیارت جامعه انسان را تزکیه می‌کند اصلاً بار می‌آورد. ویژگی زیارت جامعه این است که به ما سلسله‌ای از معارف را نداده است، معارف را در وجود ما می‌کارد، رشد می‌دهد، آبیاری می‌کند، غرس می‌کند.

« نقش زیارت جامعه در کاشت معارف ولایی در وجود انسان »

نمی‌دانم بگویم چیکار می‌کند، بهره‌برداری می‌کند، باغداری می‌کند از باغ ولایت در وجود انسان. خیلی زیارت جامعه غریب است. ما جامعه‌ای هستیم که حضرت امام ما را تشکیل داده. یعنی به این ضرس قاطع می‌شود گفت. نگوئید ما یک چیزهایی از قبل داشتیم. آن چیزهایی که از قبل از امام داشتیم همه داشت نابود می‌شد. اگر امام خمینی رحمته الله علیه نبود



نابود می شد.

آنوقت می فهمیدی چه خبر است در این عالم. ولی خب امام رحمته الله علیه بود و نابود نشد. ولی فکر نکن چیزی از گذشته می توانست امروز دست ما را بگیرد. اگر امام نبود. لذا کل این دارایی امروز جامعه مان را باید مرهون امام رحمته الله علیه بدانیم. امامی که جامعه ما را ساخت و پرداخت هر روز زیارت جامعه می خواند. ما چقدر به او تائی کردیم؟ تشیع امام تشیع زیارت جامعه ای است.

بعضی ها نامردی کردند در حق تشیع و اصطلاحاتی شبیه تشیع صفوی و علوی درست کردند. برخی مردانگی نکردند در حق تشیع نامی شبیه این نام که تشیع زیارت جامعه ای درست بکنند. حضرت امام سیره عملی شان این کار را انجام دادند. زیارت جامعه ناله ای است، فریادی است، عشق و شعوری است پس از آن همه شعوری که باید نسبت به ولایت پیدا می کردند در زمان ائمه سابق.

البتّه در متن این شعوری که در زیارت جامعه هست شعور فراوانی قرار دارد. بنده حتی می خواهم خدمت شما بگویم برخی از فقرات زیارت جامعه ائمه هدا علیهم السلام راحت نمی توانستند بگویند در بیان زیارت جامعه توانستند به ما بگویند. استدلال ها روشن است ولی به این تعابیر صریح بیان نشده.

« زیارت جامعه: فریاد دفاع از ولایت پس از تبیین

این بابی باشد برای مطالعه ما در زیارت جامعه. این



رسالت ویژه امام هادی علیه السلام. یک زمانی آدم می خواهد از حق دفاع کند مردم ظرفیت ندارند. آدم کوتاه می آید. بعد مرحله دوم تبیین می کند تا مردم ظرفیت پیدا کنند. بعد دیگر مردم را رها می کند یا ظرفیت پیدا کرده اند یا نکرده اند. فریاد می زند و دفاع می کند.

زیارت جامعه مرحله فریاد دفاع از ولایت است. معلوم است که خیلی ها نمی توانند تحمل کنند. شما باید تشیع خودتان را با زیارت جامعه تنظیم کنید. نه با سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام فقط. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دوران تحمل به سر می برد. نه فقط با سخنان امام صادق علیه السلام فقط. امام صادق علیه السلام در مرحله تبیین به سر می برد.

همه آنچه که باید گفته شود به زبان امام هادی جاری شده و تربیت کننده هم هست. خیلی زیارت جامعه غریب است. استانی را به شما عرض بکنم. این داستان را یکی از اساتید قدیم همین دانشگاه برای من نقل کردند در مدینه منوره. علامه مجلسی پدرشان افقه از خودشان بودند. علامه مجلسی بیشتر محدث بودند تا فقیه.

« داستان علامه مجلسی و زیارت جامعه

علامه مجلسی می فرماید ظاهراً حالا یا خود پدرشان نقل کردند پدر ایشان وقتی می روند نجف اشرف ساکن شوند برای تحصیل و ادامه تحصیل مستقر که می شوند اساس را که می گذارند خانه را که معین می کنند غسل می کنند وارد حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام شوند دلشان نمی آید بروند تو



می‌گویند من کجا حرم امیرالمؤمنین علیه السلام کجا ادب می‌کنند
 دم در زیارتنامه می‌خوانند می‌گویند به خودشان که من بروم
 قبر مؤمنین را زیارت کنم ر بگیرم بعد بروم قبر امیرالمؤمنین
 علی علیه السلام را زیارت کنم.

یک هفته‌ای به این منوال می‌گذرد. می‌روند به زیارت
 قبور مؤمنین در وادی السلام. تاب نمی‌آورند. می‌آورند
 می‌آیند در آستانه بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌ایستند برای
 اینکه وارد شوند. اذن دخول می‌خوانند. وارد می‌شوند. باز به
 خودشان اجازه نمی‌دهند وارد رواق شوند. در سهم دور حرم
 می‌گشتند. و در این فراغی که خودشان از سر ادب ایجاد
 کردند می‌سوختند تا اینکه یک هفته دیگر به این منوال
 می‌گذرد.

این رعایت حرمت برای او ثمربخش می‌شود. در عالم
 رویا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود شریفشان را می‌بینند. خوابشان
 این‌گونه بوده که حضرت را می‌دیدند در سامرا در سرداب
 مقدس در حالی که دارند زیارت جامعه می‌خوانند و هم
 خودشان اشک می‌ریزند و هم حضرت بقیة الله الاعظم روحی
 له الفدا تا می‌آیند خودشان را به آغوش حضرت می‌افکنند
 از خواب بیدار می‌شوند می‌گویند کلید این قفل من که چه
 کنم وارد حرم بشوم یا نه باید سامرا باشد.

سامرا می‌روند حرم عسکریین علیه السلام را زیارت می‌کنند وارد
 سرداب می‌شوند آنچه در خواب دیده بودند در بیداری
 می‌بینند مشرف می‌شوند به محضر حضرت در همان حال

شروع می کنند زیارت جامعه خواندن به آغوش حضرت که خود را می اندازند از حضرت سؤال می کنند آقا زیارت جامعه از شماست؟ حضرت می فرماید بله زیارت جامعه از ماست بعد سؤال می کنند آیا من می توانم مشرف شوم به زیارت مرقد نورانی امیرالمؤمنین (علیه السلام)؟ حضرت می فرماید حالا می توانی و بعد برمی گردد و به زیارت حضرت نائل می شود.

کسانی که اهل بودند در مناجات عاشقانه شان با مولای خودشان بر سر زبان شان ترنم زیارت جامعه بوده و نمی خواهم این را در استحکام سند زیارت جامعه عرض بکنم محدثین همه این سند را سند معتبری می دانند اما برای دل شما عرض کردم خواندن زیارت جامعه را شیوه خودتان قرار بدهید به گونه ای که زیارت جامعه شما را بار بیاورد.

« چگونه زیارت جامعه حسادت را از بین می برد؟ »

در زیارت جامعه که حالا نمی خواهم زیاد وقت شما را بگیرم تکرار هست. تکرار اوصاف. نمی دانید این تکرار چه اثری دارد. یک رذیله ای در وجود انسان هست به نام حسادت. اَمْ یُحْسَدُونَ النَّاسَ عَلٰی مَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ (نساء، آیه ۵۴). نسبت به اولیای خدا این حسادت انسان را بیچاره می کند و غالباً این حسادت پنهان است.

یکی از دلایل غیبت حضرت این است که به انسان ها فرصت بدهد حسادت را قبل از ظهور حضرت در خود از بین ببرند. این حسادت ذره ای از این حسادت در گوشه اگر گوشه دل انسان اگر باقی بماند اثر پلید خودش را یک



روزی آشکار خواهد کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای به معاویه علت مخالفت با اولیای خدا را از اول تا آخر همین حسادت بیان می فرمایند از داستان ابلیس تا هابیل و قابیل تا مخالفت با نوح و دیگر انبیای الهی تا مخالفت های با پیامبر اکرم و مخالفت با خودشان را بر سر همین حسادت می دانند. بعد می فرماید: «أَلَا وَنَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، أَلْ إِبْرَاهِيمَ الْمَحْسُودُونَ، حُسِدْنَا كَمَا حُسِدَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلِنَا» (الغارات، ج ۱، ص ۱۱۸)

تکرار فضائل و طولانی بودن زیارت جامعه مؤثرترین دارو برای نابود کردن ذره های این حسادت در گوشه دل است. چی می خواهید از این بالاتر؟ مثلاً دیگر خبر خوبی در عالم هست به ما بدهند غیر از این خبری خوب تر از این هست در زیارت جامعه دعا زیاد نمی بینید. چیزی برای خودتان نمی خواهید. شاید یک دهم زیارت جامعه دعا باشد که آنچه دعا هم هست همه دعاهایی است که پیوند شما را با اولیای خدا مستحکم تر می کند.

زیارت جامعه شبیه تسبیح هست نه دعا. برای خودتان چیزی نمی خواهید. یک کمی آخرش است یک کمی یک کمی مانده به آخر. انسان مستغرق توصیف اولیای خداست. چندین بار در زیارت جامعه دو بار اعتراف می کند زیارت خوان که مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَائَكُمْ ، وَ لَا أُنْبِغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ نمی توانم بگویم زبانم قاصر است کم می آورم وقتی می خواهم شما را توصیف کنم.

« اعتراف به عظمت اولیای خدا در زیارت جامعه

امام هادی دارد این‌ها را به ما یاد می‌دهد بیاپید این کلمات بلند را بگویید بعد اعتراف کنید نمی‌توانیم بگوییم آنچه در دلمان هست خوب بیان کنیم کلمات کم می‌آورند ما اَحلی اَسْمائِکم چقدر شیرین نام‌های شما. امام هادی به ما یاد می‌دهد بیا این را به من بگو بگو این را بگو قشنگ برای خودت تکرار کن. بلندی اوصاف و فضائل در زیارت جامعه صفت دیگری که خواهر دوقلوی یا برادر دوقلوی آن رذیله حسادت به حساب می‌آید تکبر را نابود می‌کند.

که سر این همه سجده در نماز خلع تکبر از دل است که حضرت زهراء علیها السلام فرمود نماز را خدا برای اخراج تکبر از دل‌ها قرار داده؛ وَ الصَّلَاةُ تَنْزِيهًا عَنِ الْكِبَرِ (الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸) با یک زیارت جامعه ریشه‌های تکبر و ذره‌های حسادت را در دل نابود می‌کنیم با تکرار فضائل و بامتی که این در این فضائل موجود است. کجا یک چنین فرصتی پیدا می‌شود خیلی عجیب است.

امیدوارم امام هادی علیه السلام در این جلسه به ما این هدیه مخصوص را عنایت فرموده باشد که ما را زیارت جامعه قرار داده باشد و ما من بعد انسمان را با زیارت جامعه قطع نکنیم. غروب‌هایمان را به این امر اختصاص بدهیم. ماه رجب و ماه شعبان مقدمه خوبی برای ماه مبارک رمضان هستند برای زیارت جامعه وقت ویژه‌ای بگذاریم.

اگرچه زیارت جامعه برای مطالعه نیست برای گفتگو و



مناجات رو در رو با ائمه هدا علیهم السلام اما قبلش حتماً آن را در خلوت خودمان مطالعه کنیم. شرح‌های مختلفی هم هست. شرح آقای جوادی آملی خدا حفظشان کند از شرح‌های مفصل و مبسوطی است که برای این زیارت در چند جلد نوشته شده. شرح‌های یک جلدی دیگری هم هست که حتماً دست بردارید و به آن بپردازید.

« شیعه واقعی: انس با زیارت جامعه و عشق به اولیای خدا »

شیعه یعنی کسی که زیاد زیارت جامعه می‌خواند آشفته است شوریده است پشت سر شورش در متن شورش نظم منطق و عقلانیت قرار دارد یک استحکامی در روحش هست از نظر عقلی و این را از سر شوریده بر زبان شاعرانه خودش جاری می‌کند. شیعه نیز جامعه حیف اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) اصحاب اباعبدالله الحسین اصحاب امام سجاد و امام ائمه هدا عموماً نبودند در زمان امام هادی (علیه السلام) این زیارت جامعه را زیارت کنند و با زیارت جامعه عشق بازی کنند با اولیای خدا.

آن‌ها حسرت خواندن زیارت جامعه را دارند شما به آخرش رسیدی این نتیجه را بهره ببر. عرض من تمام امام هادی (علیه السلام) در این زیارت پرشور در آخر زیارت کلام عجیبی دارند می‌فرمایند آمدی در خانه ما به ما بگو بگو آقای من مولای من اگر کس دیگری از شما به خدا مقرب‌تر بود من می‌رفتم در خانه او تا همه بفهمند تو به مبالغه‌گویی دچار

نشدی تو غلو نمی کنی تو به خاطر توحید است که در خانه ما آمده ای. (اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ - الْأَيُّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي) همه بفهمند اگر دارید یا اگر یاری دارند که مقرب تر از این ۱۴ معصوم به خداست بیاورند شما اصراری نداری در این خانه مقیم باشی توبت پرستی نمی کنی وجود شما که زیارت جامعه می خوانید مبرا است از اینکه تو شما را مشرک تلقی کند کسی چقدر عجیب است این زیارت جامعه ضمن اینکه در همین فراز شما اعتراف می کنی کسی از ۱۴ معصوم به خدا مقرب تر نیست. همین هم دوباره یک فضیلتی است که داری اشاره به آن می کنی.

خدایا ما را اهل زیارت جامعه قرار بده. خدایا ما را با زیارت جامعه زنده بدار و با زیارت جامعه بمیران. آنوقت کسانی که با زیارت جامعه انس داشته باشند اشک بریزند دیگر برای آن ها روضه نمی شود خواند. وای ائمه هدا را زدند. زدن چیست؟ چی داری می گویی؟ اهانت کردند، محاصره کردند، توهین کردند.

« زیارت جامعه و روضه ائمه: ترکیب عشق و مصیبت

کسی که با زیارت جامعه عشق بازی می کند مقامش خیلی بالاتر از کسی است که تنها با روضه عشق بازی می کند. البته روضه های آن ها از اشک بالاتری است. تحملشان در روضه ها کمتر است. نه اینکه روضه را می گذارد کنار زیارت جامعه. نه. در روضه ها شوری حال تری

است. من همین جواری نامشان را می بردم. من همین جواری همه التهابات قلبم فضائل آنها بود. حالا از مصائب آنها می خوام با ما حرف بزنی؟

زیارت جامعه یک کلمه از غربت ائمه خدا و مصائبشان سخن نگفته. چون اصلاً دیگر می میرد کسی که زیارت جامعه را می خواند. اگر بخواهد همین جا در این محضر شریف مصیبت هم بگوید دیگر اصلاً نابود می شود. این مروی است که بر خاطره های شخصی زیارت خوان اتفاق می افتد. ای ارکان بلاد رکن بلاد هستید شما ولی سرهای شما را بر نیزه ها گذاشتند و در میان بلاد چرخاندند.

فراز به فرازش می شود ایستاد و روضه خواند و اشک ریخت. «و سَاسَةَ الْعِبَادِ» ای سیاست کننده «و سَاسَةَ الْعِبَادِ» سیاست کنندگان خلق مدیران مردم به فدای امیرالمؤمنین (علیه السلام) که می فرمود: «لَقَدْ كُنْتُ أُمِّسِ أَمِيرًا فَأَصْبَحْتُ الْيَوْمَ مَأْمُورًا» (نهج البلاغه، خ ۲۰۸) من بنا بود شما را سیاست کنم شما دارید من را دوره می کنید من را محاصره کردید شما دارید به من تحمیل می کنید.

کلمه به کلمه زیارت جامعه دیگر کسی نمی تواند بگوید زیارت جامعه دعاست آقا وسط دعا روضه نخوانید اتفاقاً وسطش روضه هرچی دلت خواست بخوان این مناجات با ائمه هداست. همه ائمه ما را مظلومانه به شهادت رساندند. من می خواهم از مظلومیتشان بگویم. می گویم شما اینقدر خوب بودید با شما چگونه برخورد کردند.



« روضه در دل زیارت جامعه: از سلام تا لعن

قطعه قطعه زیارت جامعه از سلام علیکم یا اهل بیت النبوة که اهل بیت نبوت را بیابانها چرخاندند. طناب به گردنشان انداختند. امام سجاد می فرماید یکی از ما صدای گریه مان بلند می شد یا حسین گفتیم با چوب نیزه به سر ما می کوبیدند. السلام علیکم یا اهل بیت از آن اولش زیارت از آن اول زیارت جامعه روضه بخوان تا آخر الا لعنة الله علی القوم الظالمین.

خدایا در فرج مولایمان تعجیل بفرما توفیق زیارت جامعه خواندن با درک محضر حضرت بقیه الله الاعظم در محضرشان در محضر ائمه خدا به ما عنایت بفرماید. خدایا ما را از زیارت جامعه جدا مکن. ما را واسطه آشنایی اهل عالم با زیارت جامعه قرار بده. خدایا ما را شیعیانی زیارت جامعه فهم قرار بده.

خدایا شیعه گری ما را در محضر مقدس آقا امام زمان (عج) مقبول بگردان. دست مجروح رهبر عزیز انقلابمان هرچه سریع تر به دستان بابرکت مهدی فاطمه متصل بفرما و صلی الله علی محمد و آله الطهار^۱

۱ علیرضا پناهیان، زیارت جامعه، بزرگترین هدیه امام

هادی (عج)، دسترسی در:

«panahian.ir/post/۱۰۷۴»

